

تجدید حیات گرایانه و معماری معاصر ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی

دکتر محمد جواد مهدوی نژاد^{۱*}، دکتر محمد علی خبری^۲، رضا عسکری مقدم^۳

^۱ استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
^۲ استادیار پژوهش پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی
^۳ مربی پژوهش پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی
(تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۵) (تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۲۰)

چکیده

بازشناسی گرایش‌های تجدید حیات گرایانه و هویت گرا در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فرصتی را برای بازاندیشی در معماری معاصر ایران فراهم می‌سازد. مقاله حاضر می‌کوشد با رویکردی بی‌طرفانه و به دور از ارزش‌دواری، آثار طراحی شده در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. نتیجه پژوهش، استناد به دویست نمونه اولیه، از میان آثار معماری معاصر ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که از آن میان پنجاه نمونه موردی به تفصیل با رویکرد تحلیل کالبدی - محتوایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. چارچوب نظری پژوهش بر اساس ادبیات تخصصی موضوع ترسیم شده است. بر مبنای پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه معماری معاصر ایران، آثار فوق بر اساس پنج پارامتر کلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. اصول انسجام طرح، مفاهیم ساختارهای فضایی، شکل و فرم بنا، مصالح در بنا، رابطه با محیط پیرامون مطالعات صورت گرفته، نشان‌دهنده آن است که گرایش‌های تجدید حیات گرایانه را می‌توان یکی از مهم‌ترین گرایش‌های موجود در معماری معاصر ایران دانست. گرایش به احیای هویت ایرانی - اسلامی یکی از مهم‌ترین اهداف این جریان است که با تأکید بر شیوه‌ها و تکنیک‌های مختلف طراحی معماری به اجرا درآمده‌اند.

واژگان کلیدی: معماری معاصر ایران، گرایش‌های تجدید حیات گرایانه، هویت ایرانی - اسلامی، تحلیل کالبدی - محتوایی، معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی



تصویر شماره ۲: دانشکده فنی دانشگاه تهران، دهه ۱۳۷۰، امیرآباد تهران، نمونه‌ای از بناهای عملکردگرایانه دوران مدرن که با استفاده از مصالحی مانند سنگ و با فرم پست‌مدرن تکمیل شده است. (منبع: نگارندگان)



تصویر شماره ۳: هتل انقلاب واقع در خیابان طالقانی تهران، نمونه‌ای از بهره‌گیری از الگوهای معماری مدرن سبک بین‌الملل در دهه ۱۳۶۰ (منبع: نگارندگان)

۱. ساختار و روش تحقیق

۱-۱. روش تحقیق

بازشناسی گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه و هویت‌گرا در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، موضوعی گسترده است که در آثار مکتوب و غیرمکتوب، اسناد قابل توجهی در ارتباط با آن قابل مشاهده و بازشناسی است. از این رو موضوع، هم از سابقه نظری و هم از سابقه عملی برخوردار است. برای بهره‌گیری صحیح از هر دو سابقه، ابتدا چارچوب نظری پژوهش بر اساس ادبیات تخصصی موضوع ترسیم می‌شود، سپس نمونه‌های موردی بر اساس آن تکمیل می‌گردند. روش انتخاب شده در این مقاله بسیار بدیع‌تر از آن است که با سایر مقاله‌ها و متون تدوین شده در این زمینه قابل مقایسه باشد. از لحاظ نوع‌شناسی، روش تحلیل متن حاضر نوعی برخورد عینی با موضوع‌هایی است که جنبه‌های ذهنی و پیش‌فرض‌های بسیار مهمی دارند، روشی که به «تحلیل محتوا» معروف است (Groat and Wang, 2002) (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲). برای تحقق این مهم، نوعی رویکرد طراحی‌محور (Cherry, 1999) برای ترسیم ساختار به کار گرفته شده است.

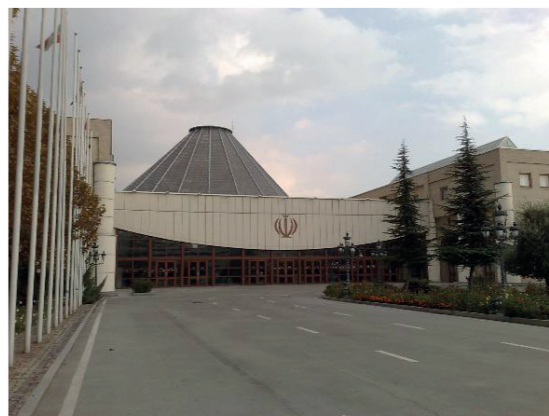
۱-۲. روش گردآوری داده‌ها

پس از تعیین چارچوب نظری پژوهش، اطلاعات نظری بر اساس پژوهش‌های قبلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. گردآوری اطلاعات نظری بر اساس استناد به کتاب‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های قبلی تبیین می‌شود. برای ارزیابی بناها، پس از تعیین مشخصه‌هایی که باید مورد بررسی قرار گیرند، دو ستون به ماتریس

بحث از جریان‌ها و گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه در معماری معاصر ایران، از جمله مباحثی است که پرداختن به آن با هدف‌های متفاوت و متنوعی صورت می‌پذیرد. نگرشی که در این پژوهش به منظور نقد، تحلیل و بررسی گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه در معماری معاصر ایران انتخاب شده است، محتوایی تحلیلی دارد و می‌کوشد تا با تکیه بر دستاوردهای محدود ادبیات مکتوب معماری معاصر ایران در دوره‌های اخیر، به تحلیل و بررسی بناها و ساختمان‌های ساخته شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بپردازد. مهم‌ترین کاستی نقدهایی که در زمینه تاریخ معماری معاصر نگاشته شده‌اند، آن است که مفاهیم معماری معاصر در قالب عبارات و اطلاعات تاریخی ارائه شده‌اند. عملاً این اطلاعات به قدری گزینشی، شخصی و ناپایدارند که پس از پایان مطالعه، چیزی از آن‌ها در ذهن مخاطبان باقی نمانده است. از سوی دیگر اطلاعات ارائه شده در این نقدها با نام تاریخ معماری معاصر، عملاً هیچ‌گونه ارتباط منطقی با نیازهای واقعی و تحلیلی مخاطبان ندارند، از این رو عده‌ای آن را به عنوان محلی برای درد دل کردن با دیگران و یا بعضاً محلی برای حمایت از همفکران خویش، انتخاب نموده‌اند. مهم‌ترین هدفی که از آشنایی با تاریخ می‌توان انتظار داشت، استفاده از تجربه اندوخته شده دانش بشری است. همان‌گونه که در بیان بزرگان آمده است: «تجربه را تجربه کردن خاست.»

انتخاب نام «تجدیدحیات‌گرایی و معماری معاصر ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی» برای این مقاله، به خودی خود بیانگر ویژگی‌های خاص رویکرد به کار گرفته شده در این مقاله است. مسأله اصلی در این پژوهش انجام مروری تحلیلی بر معماری معاصر ایران با هدف بازشناسی کیفیت و چگونگی تجدیدحیات‌گرایی در معماری معاصر ایران است. مهم‌ترین پرسش‌های پیش روی این مقاله عبارتند از:

- ۱- آیا می‌توان گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه را یکی از گرایش‌های اصلی در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شمار آورد؟
- ۲- تجدیدحیات‌گرایی در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران چه مشخصاتی دارد؟ و این مشخصات در طراحی معماری این دوران چگونه تجلی یافته است؟



تصویر شماره ۱: سالن اجلاس سران، دهه ۱۳۷۰، طراحی یحیی فیوضی (منبع: نگارندگان)



تصویر شماره ۵: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، دهه ۱۳۸۰، تهران، الهیبه (منبع: نگارندگان)

۲. چارچوب نظری و ادبیات موضوع

۱-۲. پیشینه پژوهش

مفاهیمی که توسط آشوری (۱۳۷۶)، بهنام (۱۳۷۵) و دیگر پژوهشگران در حوزه بازشناسی تحولات دوران مدرن و نوگرایی در ایران مطرح شده‌اند، مقدمه‌ای برای شناخت ادبیات تخصصی موضوع است. پژوهش‌هایی از این دست در حوزه معماری معاصر ایران نیز ادامه یافته‌اند که به عنوان مثال می‌توان به دیبا و دیگران (۱۳۸۵)، و مهدوی‌نژاد و دیگران (Mahdaveinejad, 2007) اشاره کرد. گرایش به هویت ایرانی - اسلامی، بخش عمده‌ای از گرایش‌های نظری است و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که افرادی چون دیبا (۱۳۷۴)، انصاری (۱۳۸۲)، پورزرگر (۱۳۸۳) در این حوزه اظهار نظر کرده‌اند. در هر صورت تجدیدحیات‌گرایی، نوعی مراجعه به مفاهیم برگرفته از هنر و معماری ایرانی - اسلامی خواهد بود. مروری بر پژوهش‌های قبلی و آثار صارمی (۱۳۷۶)، اردلان (۱۳۸۰)، مهدوی‌نژاد (۱۳۸۱)، و مهدوی‌نژاد و مشایخی (۱۳۸۹)، نمونه‌هایی از این دست را به نمایش می‌گذارد.

رویکرد طراحی محور به تحلیل آثار معماری معاصر ایران، بویژه بازشناسی گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه و هویت‌گرا در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است؛ لیکن می‌توان با مراجعه به منابع تخصصی موجود، کلید واژه‌های لازم را استخراج نمود. چارچوب نظری پژوهش می‌تواند بر اساس رویکرد طراحی محور مورد نظر در مطالعات ادیث چری (Cherry, 1999)، دیوید نیکول (Nicol, 2000) و نمونه‌های تحلیل شده توسط ماگنا (MAGNA, 1992) سازمان یابد. در خصوص مطالعه پیشینه پژوهش و بررسی‌های صورت گرفته توسط پژوهشگران قبلی، ذکر این نکته ضروری است که مطالعات بسیاری در این خصوص صورت نگرفته است. البته انصاری (۱۳۸۲)، پورزرگر (۱۳۸۳)، داراب دیبا و دیگران (۱۳۸۵) و مهدوی‌نژاد (۱۳۸۵)، نمونه‌هایی از تحلیل آثار معماری معاصر ایران را با اتکا به پایگاه‌های نظری و دیدگاه‌های عملی معماران ارائه کرده‌اند.

اضافه شدند. در واقع این‌ها دو لایه بودند که ویژگی بنا را در موضوع‌های مختلف نشان می‌دادند. در لایه اول، میزانی از ابهام وجود داشت؛ چرا که به طور کامل در برگیرنده آن ویژگی نبود، ولی به هرحال ویژگی فوق در بنا وجود داشت. لایه دوم مربوط به مشخصه‌هایی بود که در این آثار به خوبی قابل مشاهده و بازشناسی بودند؛ به عبارت دیگر لایه اول به گفته‌های معمار و یا منتقدان معماری از بنا اختصاص دارد و لایه دوم به نظر پرسش‌شوندگان درباره بنا اختصاص یافته است. پرهیز از پیش‌داوری و تکرار سخن‌های دیگران در زمینه تحلیل و بررسی آثار گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه در معماری معاصر ایران، از مهم‌ترین نتایج رویکرد علمی به پدیده‌های مهم و اصلی معماری معاصر محسوب می‌شود. برای کامل‌تر شدن ماتریس و روشن شدن مشخصه‌های آن، در صورت نیاز در یک ستون با عنوان «توضیحات»، مواردی مقابل ویژگی تعیین شده، ذکر گردید. در ادامه مهم‌ترین ویژگی‌های ساز و کار استنتاج پیشنهادی گزارش، به اختصار مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۳. انتخاب نمونه‌های موردی

برای بررسی فراگیر در زمینه معماری معاصر لازم است بناها با شیوه‌ای کارآمد انتخاب شوند تا بتوانند نمونه موردی موفق و قابل اعتنایی محسوب گردند. معیار انتخاب نمونه‌ها به این صورت است که: ۱- بناهایی که در تحلیل‌های مطرح شده از سوی منتقدان معماری معاصر ایران به آن‌ها اشاره شده است. ۲- بناهایی که در نشریه‌های تخصصی معماری مورد نظر قرار گرفته‌اند. ۳- بناهایی که در سطح کلان مطرح و یا در مسابقه‌های حائز مقام بوده‌اند. ۴- بناهایی که در برداشت‌های میدانی حاوی ویژگی مورد توجه‌ای بودند و در دستیابی به داده‌هایی در جهت تکمیل ماتریس مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بسیاری از بناهای انتخاب شده، با هدف ترسیم شمای کلی از جریان‌های تجدیدحیات‌گرایانه در معماری معاصر ایران تهیه شدند و در مراحل بعدی به فراخور موضوع، می‌توان بناهایی اضافه و یا حذف کرد. برای انجام پژوهش، دوپست بنا به روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه اولیه و پنجاه اثر به عنوان نمونه نهایی انتخاب شده‌اند.



تصویر شماره ۴: شرکت انبوه‌سازان همای تهران، پروژه مسکونی برج‌های دوقلوی کیش، دهه ۱۳۸۰ (منبع: نگارندگان)

۲-۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری با مروری بر ادبیات موضوع و با تحلیلی بر گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه در معماری معاصر ایران تدوین شد تا استنتاج‌های بعدی و منش فکری حاکم بر پژوهش مشخص و معین شود. تجزیه و تحلیل معماری معاصر ایران نیازمند ترسیم یک چارچوب نظری فراگیر و تعریف یک ساختار تحلیلی دقیق است که به کمک آن بتوان ضمن تحلیل و بررسی نمونه‌ها و بناهای ساخته شده، به نتایج قابل قبولی دست یافت. از این رو، چارچوب نظری ترسیم شده در پژوهش، علاوه بر بهره‌گیری از پیشینه موضوع، مبتنی بر آثار ارزشمندی از معماری معاصر ایران است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ساخته شده‌اند. از این رو در آغاز پژوهش، رویکردها و آرای مختلف نظریه‌پردازان معماری معاصر ایران مطرح و دسته‌بندی‌های آرایه شده از سوی آن‌ها گردآوری شدند. طبقه‌بندی رویکردها متضمن واژه‌هایی بودند که با انتساب آن‌ها به بناهای مختلف، هر یک در جایگاهی قرار داده می‌شدند. از آنجا که تعاریف و واژه‌های مورد استفاده در دسته‌بندی‌های مختلف یکسان به کار نرفته‌اند، تعیین جایگاه دقیق بناها، به سادگی میسر نبود و حتی در مواردی یک بنا در جایگاه‌های کاملاً متضادی قرار می‌گرفت. برای پاسخ‌گویی به این مسأله و برای دستیابی به طبقه‌بندی منطقی و علمی، روشی ترکیبی در دستور کار قرار گرفت. در نتیجه بناها هم از نظر معمار و منتقدان و هم از نظر مخاطبان و گروه‌های مختلف مردم به دقت مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. واژه‌های مورد استناد همان مفاهیمی هستند که توسط مردم و گروه‌های مخاطب بیان شده، یا از سوی معماران و منتقدان در توصیف گرایش‌ها و جریان‌های تجدیدحیات‌گرایانه در معماری معاصر ایران، به آن‌ها اشاره شده است.

در نهایت برای ارتقای هرچه بهتر تجزیه و تحلیل موردی، مجموعه‌ای از واژگان کلیدی طرح‌های مختلف گردآوری شدند. پس از گردآوری این واژه‌ها، واژه‌هایی که می‌توانستند از تأویل‌های گوناگونی برخوردار باشند، با تعریفی واحد و یا با مشخص نمودن شاخصه‌هایی معین، باز تعریف شد. در مرحله بعد، واژه‌ها در طبقه‌بندی‌هایی قرار داده شدند تا سطح اطلاعاتی که در تحلیل‌های بعد مورد استفاده قرار می‌گیرند، مشخص شوند. بر این مبنا چهار موضوع اصلی و یک موضوع فرعی، پنج رده اصلی طبقه‌بندی داده‌ها را به وجود آوردند که هر یک دارای زیرمجموعه‌های مرتبط با خود هستند. زیرمجموعه‌های مذکور نیز در صورت نیاز به بسط بیشتر به زیرمجموعه‌های کوچک‌تری تقسیم شدند که به طور عمده در برگزیده واژه‌هایی هستند که در تبیین مفهوم مطرح شده به کار رفته‌اند. به عنوان مثال زمانی که از واژه یا اصطلاح «معماری مدرن» در ماتریس طبقه‌بندی استفاده می‌شود، در لایه بعدی به واژه‌هایی مانند: بروتالیسم، شکستن جعبه و عملکردگرایی اشاره گردیده تا شاخصه‌هایی که در بناها برای شناسایی معماری مدرن به کار گرفته شده‌اند، معین شوند. این موضوع در ارتباط با دیگر موارد نیز رعایت شده است.



تصویر شماره ۶: هتل بین‌المللی داریوش، نمونه‌ای از کاربرد کهن‌الگوهای مربوط به معماری هخامنشی در معماری معاصر ایران در دهه ۱۳۷۰، جزیره کیش

۲-۳. کلیدواژه‌های تحلیلی

واژگان تحلیلی مقاله مانند معماری مدرن، مدرنیته، راسیونالیسم^۱، مدرنیزاسیون یا مدرن‌سازی^۲، سادگی^۳، تقابل سنت و تجدد و دیگر واژگان تحلیل کالبدی، بر مبنای ادبیات خاص موضوع ترسیم شدند. علاوه بر واژگان فوق واژگان تحلیلی با رویکرد زیبایی‌شناسانه مانند تنوع و پیچیدگی، ترکیب‌بندی (کمپوزیسیون)، خوانایی، تصویرپذیری، ابهام^۴، ابهام یا رازآمیزی^۵، استعاره، نمادسازی، سایه روشن، انگیزش تداومی، خلاقیت، معناگرایی، ابهام و ابهام، عبور و خلاء، تضاد و تکامل، هندسه پنهان، تداوم فضایی، تضاد و تباین، درون و برون و انسجام فضایی از ادبیات عام موضوع انتخاب شدند. مهم‌ترین شاخه‌ها و مفاهیم کالبدی - محتوایی مورد بررسی عبارتند از:

- اصول انسجام طرح،
- مفاهیم ساختارهای فضایی،
- شکل و فرم در بنا،
- مصالح در بنا،
- رابطه با بافت و محیط پیرامون.



تصویر شماره ۷: سفارت ایران در برلین، طراحی داراب دیبا از نمونه‌های آثار شاخص در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که در آن از ایده‌های فضای معماری سنتی استفاده شده است. (منبع: مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۵)

۱. اصول انسجام طرح: اصول انسجام طرح، متضمن مفهوم کانسپت^۶ یا ایده کلی طرح است که ساختار اصلی طرح براساس آن برنامه‌ریزی، برنامه‌دهی و طراحی شده است. نمونه‌های تحلیلی در ماتریس این بخش در هفت گروه طبقه‌بندی شدند. این حوزه‌ها یا ایده‌ها به اجمال عبارتند از:

- مفهوم‌گرا از معماری گذشته،
- فرم‌گرا از معماری گذشته،
- مدرن،
- پست مدرن،
- مدرن متأخر،
- معماری ارزان قیمت،
- بومی‌گرایی.

این نکته قابل ذکر است که این موضوع‌ها مفاهیم و یا ایده‌هایی هستند که از میان تحلیل‌های اولیه انتخاب شده‌اند و مفروض بود که بناهای مورد تحلیل بر اساس ویژگی‌ها آن‌ها شکل گرفته و با از آن‌ها تأثیر پذیرفته باشند.

۲. مفاهیم ساختار فضایی: مفاهیم ساختار فضایی، مشخص‌کننده نوع نگرش به کیفیت فضایی طرح در بنا، بر اساس ایده‌های اصلی طرح است. در ماتریس، در مواردی که ایده اصلی طرح بر اساس رویکردهای مدرن، پست‌مدرن یا مدرن متأخر شکل گرفته است، مفاهیم فضایی هر یک را نیز در خود دارد. در مقابل زمانی که از رویکرد گذشته‌گرا در طرح استفاده شده، موضوع‌های مورد استفاده در فضای معماری براساس سه گروه، ایده‌های فضای گذشته که بیشتر به مفاهیم فضایی مورد استفاده در گذشته عنایت داشته‌اند؛ مانند: گذر و خلاء، استفاده استعاره‌گرایی یا جزییات سنتی در فضا (سمبولیسم انتزاعی) و ایده‌های سنت‌گرایی افراطی به معنای استفاده افراطی از ایده‌های فضایی معماری گذشته شکل می‌گیرد که براساس آن‌ها فضایی شبیه‌سازی شده با برداشت از معماری گذشته به وجود آمده است. ایده‌های فضایی غیرایرانی شامل مفاهیمی است که در معماری معاصر ایران از معماری معاصر غرب، به صورت مستقیم و غیرمستقیم الهام گرفته شده است.

۳. شکل و فرم در بنا: نقد، تحلیل و بررسی شکل و فرم بناهای نمونه آماری در گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه در معماری معاصر ایران بر اساس چهار محور کلی استفاده از فرم‌های معماری گذشته، شکل و فرم مدرن، شکل و فرم پست‌مدرن، گرایش‌های فرمال معماری‌های تک و فرم‌های ناآشنا و اگزوتیک صورت پذیرفته است.

۴. مصالح در بنا: نوع مصالح به کار رفته در بناهای گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه در معماری معاصر ایران، از تنوع و گستردگی خاصی برخوردار است. ناگفته پیداست که نوع مصالح به کار رفته در بنا در تعیین رویکرد و سبک بنا عاملی تأثیرگذار است. از این لحاظ، بناها در پنج طبقه جای می‌گیرند: ۱- مصالح سنتی (آجر، چوب و غیره)، ۲- مصالح مدرن اولیه ایرانی (سیمان و غیره)، ۳- مصالح سنتی به همراه مصالح مدرن (آجر و بتن)، ۴- مصالح مدرن و پست‌مدرن ایرانی بعد از انقلاب (انواع گرانتیت، تراورتن و غیره)، ۵- مصالح جدید.

۵. رابطه با بافت: بر اساس بررسی رابطه کلی بنا با محیط پیرامون خود، سه دسته‌بندی کلی می‌توان ارائه کرد که به

ترتیب عبارتند از: ۱- متجانس (هماهنگ با محیط)، ۲- متقابل (بی تفاوت)، ۳- متضاد (خردمندانه - سهل انگارانه) و ۴- معماری یادمانی (مونومانتال).



تصویر شماره ۸: بانک اقتصاد نوین در میدان ونک در مجاورت مجموعه‌ای برخوردار از نوعی معماری تنش‌زا و ساختارزدایی شده (منبع: نگارندگان)

۳. تحلیل یافته‌ها

۳-۱. دسته‌بندی نتایج

مهم‌ترین نتیجه مورد انتظار، بازخوانی دستاوردهای معماری اسلامی، در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. آشنایی با اندیشه‌های معاصر برای احیای معماری اسلامی که به وسیله معماران معاصر تعقیب می‌شوند، معرفی معماران و جریان‌های نواندیش در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در کنار بازخوانی تجربه‌های موفق و ناموفق معماران معاصر و تلاش در راه استفاده عملی از آن‌ها، از دیگر نتایجی است که می‌توان انتظار داشت. مهم‌ترین هدف مورد نظر دسته‌بندی شیوه‌های تجدیدحیات‌گرایانه به کار گرفته شده در معماری معاصر و جستجوی پیوستاری مؤثر و هدفمند در آن‌ها است، به گونه‌ای که بتوان به کمک آن‌ها سیر تحویل‌گرایش‌های معماری معاصر ایران را تحلیل و توجیه نمود؛ موضوعی که با هدف انتقال نتایج و دستاوردهای پژوهش به جامعه حرفه‌ای و علمی معماران ایرانی و علاقه‌مندان معماری اسلامی ایران، صورت می‌پذیرد. از این رو در فرآیند استنتاج پژوهش، رابطه‌های معنادار میان عوامل کالبدی در آثار معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ایده‌های فرم‌گرا از معماری گذشته، معماری پست‌مدرن، استعاره‌گرایی و معماری فرامدرن که با نام‌هایی همچون مدرن متأخر یا نومدرن در تاریخ معماری معاصر ایران از آن یاد شده است، به عنوان دسته‌بندی‌های سبکی انتخاب شدند. انتخاب این واژه‌ها نیز بر اساس مفاهیم تعریف شده در اصول ساختاردهنده طرح صورت پذیرفته است. ترسیم ویژگی‌های کیفی و کمی سبک‌ها و گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه در معماری معاصر ایران و تحلیل و ارزیابی تأثیر زمان بر سبک‌ها، از دیگر دستاوردهایی است که در ادامه به دقت مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. بدیهی است بر اساس رویکرد تلفیقی (کیفی - کمی) حاکم بر پژوهش، دستاوردهای کمی به عنوان شاهد مثال‌هایی برای دستاوردهای کیفی و فرضیه‌های قابل تعریف، مورد استناد قرار گرفتند.

مفهوم «تربخشی» به معنای میزان اهمیت و یا درصد تأکید

بر یک مفهوم است. درجه «اثربخشی» از تلفیق آرای معمار و پرسش‌شوندگان به صورت ضرب مستقیم به دست آمد. به عنوان مثال اگر موضوعی از نظر معمار اهمیتی برابر با ۲۰ درصد و از نظر پرسش‌شوندگان ۳۳ درصد دارد، درصد اثربخشی آن برابر با حاصل ضرب آن‌ها، یعنی برابر با ۷ درصد خواهد بود. در نهایت با رتبه‌بندی آن‌ها می‌توان دریافت که اثربخشی کدامیک بیشتر است. در مواردی که عدد نسبت داده شده به درصدها به یکدیگر نزدیک باشد، از مفهوم رتبه اثربخشی استفاده می‌شود. به عنوان مثال اگر معمار چیزی را درجه ۲ بداند و پرسش‌شوندگان آن را درجه ۴ ارزیابی کنند، درجه اثربخشی آن ۸ خواهد بود. این تکنیک اجازه می‌دهد دو گروه موازی از مفاهیم اثرگذار، مانند آرای معمار و پرسش‌شوندگان به صورت توأمان مورد توجه قرار گیرد.



تصویر شماره ۹: مجموعه آشنای کیش (در حال ساخت)، طراحی دزفولیان، قرائیان و مهدوی‌نژاد، جزیره کیش (منبع: نگارندگان)

۲-۳. تحلیل نتایج

برای تبیین واژه‌های تحلیلی پژوهش از دویست بنا از آثار شاخص معماری معاصر ایران نمونه‌برداری شده است. از میان این دویست بنا، پنجاه بنا انتخاب شدند که توسط منتقدان و یا استادان دانشگاه تحت عنوان آثار جریان‌های تجدیدحیات گرایانه در معماری معاصر ایران معرفی شده‌اند. با مراجعه به آرای منتقدان و معماران معاصر می‌توان به وضوح مشاهده نمود که این بناها اغلب به نحوی متوجه مسأله هویت اسلامی - ایرانی و یا ترسیم‌کننده آینده‌ای درخشان و پیشرفته برای ایران اسلامی بوده‌اند. به همین سبب تجزیه و تحلیل مشخصات کمی و کیفی این بناها می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از آثار

معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد. در نهایت نیز می‌توان با الهام از موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های کسب شده در این بناها، مشخصات جریان‌های تجدیدحیات گرایانه را در معماری معاصر ایران ترسیم نمود.

مروری بر دستاوردهای کیفی - کمی پژوهش، گویای آن است که میان نظر پرسش‌شوندگان و معماران نسبت به آثار منتخب در میان جریان‌های تجدیدحیات گرایانه در معماری معاصر ایران، تمایزهای معناداری وجود دارد. در میان معماران و پرسش‌شوندگان درباره اصول انسجام طرح و مصالح به کار رفته در بنا، همبستگی مثبت وجود دارد. اما میزان همبستگی آن‌ها قابل توجه نیست؛ به عبارت دیگر همبستگی معناداری در میان آن‌ها وجود ندارد. ویژگی‌هایی از قبیل مفاهیم ساختارهای فضایی، شکل و فرم در بنا و رابطه با بافت، شرایط خاصی دارند. در این موارد نوعی همبستگی منفی میان نظر پرسش‌شوندگان و نظر معماران به خوبی قابل مشاهده است. همبستگی منفی، معرف آن است که برداشت‌های یکسانی از آثار خلق شده در میان ایشان وجود ندارد. نکته قابل توجه آن است که این تفاوت را می‌توان به روش‌های دیگری نیز تفسیر کرد. به عنوان نمونه در رابطه بنا با بافت و محیط پیرامونی، ایجاد هماهنگی مشکل‌تر از ایجاد تفاوت است. به همین دلیل موفقیت طراحان در کسب نوعی هماهنگی با محیط، مستلزم برخورداری از توان طراحی در مقیاس بسیار بالا است. جمله‌هایی که راجع به بنا آورده شده نیز تأکیدی بر این موضوع دارد که طراحان تلاش داشته‌اند نوعی وحدت و هماهنگی به وجود آورند، در حالی که نتیجه چیزی غیر از این بوده است. توجه معماران به تفاوت‌های برداشت گروه‌های پرسش‌شونده و آنچه ایشان انتظار داشته‌اند، می‌تواند راهگشای موفقیت آن‌ها در طرح‌ها و تجربه‌های بعدی باشد. در میان موارد تحلیل شده، رابطه شناسایی شده در شکل و فرم بنا و رابطه با بافت، معنادار ارزیابی شده است؛ زیرا توان دوم همبستگی آن از عدد ۶ درصد بیشتر است. از این رو، می‌توان گفت، نوعی رابطه عکس میان تصور طراحان در این موارد با دقت و توجه بیشتری برخورد نمایند. به نظر می‌رسد آنچه گروه‌های مخاطب از شکل و فرم بنا درک می‌کنند، با آنچه از سوی معماران پیش‌بینی می‌شود، هماهنگی چندانی ندارد. از سوی دیگر معماران در ایجاد وحدت و هماهنگی میان بناهای طراحی شده، با آنچه در محیط پیرامونی آن‌ها وجود دارد، موفقیت چندانی نداشته‌اند. در سایر موارد، همبستگی از درجه معناداری قابل توجهی برخوردار نیست.

جدول شماره ۱: برآیند نتایج کمی حاصل از پژوهش‌های میدانی

سنجه - کلیدواژه تحلیلی	اصول انسجام طرح	مفاهیم ساختارهای فضایی	شکل و فرم در بنا	مصالح در بنا	رابطه با بافت	برآیند
همبستگی نظرهای طراحان و پرسش‌شوندگان	۰/۳۲	-۰/۴۷	-۰/۹۱	۰/۲۵	-۰/۹۳	-۰/۳۴
توان دوم همبستگی	۰/۱۰	۰/۲۲	۰/۸۳	۰/۰۶	۰/۸۶	نامطلوب
معناداری همبستگی	بی‌معنا	بی‌معنا	معنادار	بی‌معنا	معنادار	---
رتبه همبستگی	۴	۳	۲	۵	۱	---

منبع: نگارندگان

۳-۳. تحلیل کیفی دستاوردهای کمی

تجدیدحیات‌گرایی یکی از گرایش‌های معماری معاصر ایران است که در ادبیات تخصصی تاکنون تعریفی درباره آن ارائه نشده است. تنها می‌توان گفت بناهایی وجود دارند که با عنایت به هویت اسلامی - ایرانی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ساخته شده‌اند. این بناها به عنوان مهم‌ترین منبع تحلیلی برای ترسیم مشخصات جریان‌های تجدیدحیات‌گرایانه در معماری معاصر ایران انتخاب شده‌اند. مهم‌ترین دستاورد، ترسیم مشخصات بنای هویت‌گرا و معماری تجدیدحیات‌گرایانه خواهد بود. بر اساس دستاوردهای کیفی - کمی پژوهش، بنای هویت‌گرا و تجدیدحیات‌گرایانه دارای مشخصات زیر خواهد بود:

۱. اصول انسجام طرح: در حوزه اصول انسجام طرح، این چنین آثار و بناهای هویت‌گرا از فرم‌ها و مفاهیم معماری اسلامی - ایرانی استفاده می‌نمایند. استفاده توأمان از مفاهیم و فرم‌های معماری سنتی ایرانی نتیجه بهتری را در برخواهد داشت، اما تقلید از نمونه‌های شاخص معماری اسلامی و ایرانی توصیه نمی‌شود. علاوه بر اینکه عدم استفاده از تزیین‌ها و روی آوردن به نوعی معماری مدرن، می‌تواند راهگشای دستیابی به بنایی هویت‌گرا در شرایط معاصر باشد. با توجه به ترکیب نظر معماران طراح و پرسش‌شوندگان نمونه‌های تحلیل شده، به طراحان می‌توان توصیه کرد که از به کارگیری مصالح ارزان قیمت، ایجاد تغییرات شدید در محورهای ساختاردهنده بنا و بویژه از هندسه‌های ناقلیدسی و ساختارهای نامشخص اکیداً خودداری نمایند.

۲. مفاهیم ساختارهای فضایی: مفاهیم ساختارهای فضایی به صورت مستقیم با درک مخاطب ارتباط دارند و استفاده‌کننده از بنا آن‌ها را به طور مستقیم و بی‌واسطه درک می‌نماید. استفاده از ایده‌های فضایی گذشته مانند مفاهیمی چون عبور، گذر و خلاء می‌تواند به بهترین نحو راهگشای دستیابی به بنایی هویت‌گرا و یک معماری تجدیدحیات‌گرایانه باشد. بعد از این مفهوم می‌توان به کارگیری ایده‌های سنت‌گرایی در طرح را توصیه نمود، هرچند طراحان نسبت به آن علاقه چندانی نشان نداده‌اند. درباره استعاره‌گرایی و کاربرد آن در فرآیند طراحی معماری تذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که نباید در به کارگیری آن افراط کرد. لازم است استعاره‌ها برای مخاطبان، ملموس و قابل درک باشد. همبستگی منفی میان نظر دو گروه، تأکیدی قابل توجه بر این مهم محسوب می‌شود.

۳. شکل و فرم بنا: شکل و فرم در بنا عاملی است که توجه به آن بسیار مهم خواهد بود، خصوصاً زمانی که دریا بین میان نظر معماران و پرسش‌شوندگان، رابطه معناداری مشاهده شده است؛ رابطه‌ای که از لحاظ کمی منفی است و مشخص‌کننده عدم موفقیت معماران معاصر در طراحی فرم بناها و ایجاد ارتباط منطقی با مخاطب است. نتیجه تحلیل‌های کیفی - کمی مؤید فرضیه‌ای است که در آغاز پژوهش دور از ذهن به نظر می‌رسید. دستاوردها گویای آن است که استفاده از شکل‌ها و فرم‌های معماری پست‌مدرن بیشترین موفقیت را در تبدیل یک بنا به یک معماری هویت‌گرا و تجدیدحیات‌گرایانه داشته است. مفاهیمی از قبیل استفاده از فرم‌های معماری گذشته و شکل و فرم مدرن، به ترتیب در

اولویت‌های بعدی قرار دارند. مهم‌ترین نکته قابل توجه در این بحث آن است که بیان فرم‌های معماری گذشته، در قالب‌های جدید و متنوع، بیش از سایر گرایش‌ها توانسته است نظر پرسش‌شوندگان و معماران را جلب نماید. این دستاورد بیان‌کننده آن است که باید معماران معاصر تلاش خود را در به کارگیری فرم‌های گذشته با ظاهر و ویژگی‌های جدید، بیش از پیش به کار گیرند.

۴. مصالح در بنا: اهمیت مصالح ساختمانی و نقش آن در معماری نیاز به توضیح ندارد. دستاوردهای پژوهش گویای آن است که نوعی همبستگی مثبت میان دیدگاه معماران و نظرات پرسش‌شوندگان وجود دارد، هر چند این همبستگی از معناداری کافی برخوردار نیست. بر اساس دستاوردهای کیفی - کمی پژوهش می‌توان استفاده از مصالح سنتی ایرانی مانند خشت، آجر و چوب را در بناهایی که توسط ایشان ساخته می‌شود، توصیه کرد تا نتیجه، یک معماری هویت‌گرا باشد. استفاده از مصالح مدرن بین‌الملل مانند بتن بدون تزیین از آن برای مورد اقبال بوده است که با خلوص خود یادآور مفاهیمی چون خودبسندگی، مردم‌واری و پرهیز از بیهودگی معماری سنتی ایرانی است. مصالح پست‌مدرن ایرانی و مصالح مدرن ایرانی نیز در این گروه از آثار به کار گرفته شده قرار دارند. لازم به تذکر است که تلفیق مصالح سنتی ایرانی در کنار مصالح پیشرفته و یا تأکید بیش از حد بر روتالیسم در ظاهر بنا، نمی‌تواند تداعی‌کننده معماری اسلامی - ایرانی باشد و لازم است طراحان با دقت و وسواس ویژه‌ای با آن‌ها برخورد نمایند.

۵. رابطه با بافت: ارتباط یک اثر با محیط پیرامونی، یکی از نکته‌های قابل توجه در هدایت طراحی معماری است. نوعی همبستگی معنادار، اما منفی میان ایده‌های طراح و نتیجه اثر به خوبی قابل مشاهده و بازشناسی است. طراحان بر مفاهیمی تأکید کرده‌اند که در اثر معماری کمتر به چشم می‌آیند. بر اساس نتایج پژوهش، می‌توان به طراحان توصیه کرد که حداکثر تلاش خویش را در ایجاد هماهنگی و همبستگی میان اثر و محیط پیرامونی به کار گیرند، تا شرایط بصری محیط دچار اختلال و آشفتگی نشود. تأکید بر هماهنگی با بافت و محیط پیرامونی، موفقیت ایشان را در دستیابی به اثری هویت‌گرا و متمایل به زمینه افزایش خواهد داد. در مواردی که هماهنگی وجود ندارد، تنها بهره‌گیری از نوعی معماری یادمانی می‌تواند پاسخگو باشد. نکته قابل توجه آن است که پرداختن به نوعی معماری متفاوت با زمینه (چه این تفاوت آگاهانه یا سهل‌انگار باشد)، کمکی به ارتباط مخاطب با بنا نمی‌کند. از این رو تأکید بر انسجام و وحدت بصری و هماهنگی بنا با زمینه طراحی، مناسب‌ترین راهکار قابل ارائه در بناها و آثار هویت‌گرا و جریان‌های تجدیدحیات‌گرایانه، در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.

نتیجه گیری

مطالعات صورت گرفته نشان دهنده آن است که تجدید حیات گرای یکی از گرایش‌های اصیل و بسیار جدی در معماری معاصر ایران است، موضوعی که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر اهمیت آن افزوده شده است. به گونه‌ای که بسیاری از معماران و طراحان در بیان ایده‌های خود بر این نمونه‌ها تاکید می‌ورزند. دستاوردهای کمی و کیفی پژوهش نشان دهنده آن است که اصول انسجام طرح، مفاهیم ساختارهای فضایی، شکل و فرم بنا، مصالح در بنا و ارتباط یک اثر با محیط پیرامونی مهم‌ترین نکاتی بوده‌اند که از سوی گروه‌های تجدید حیات‌گرا مورد توجه قرار گرفته‌اند. نکته قابل توجه آن است که گرایش‌های تجدید حیات‌گرایانه و هویت‌گرا در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی نتوانسته‌اند فاصله میان نظر و عمل را به خوبی طی نمایند و در راه رسیدن به موضوع‌های مورد نظر خویش موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند؛ هر چند نفس حرکت به سمت ریشه‌های فکری و مبانی اعتقادی مردم، خود دستاوردی قابل توجه به شمار می‌آید. حرکتی که با الهام از گرایش‌های وسیع مردم به احیای هویت ایرانی - اسلامی در تمامی بخش‌ها شکل گرفت و با اهتمام معماران به عرصه حیات معماری معاصر ایران نیز وارد شد.

پی نوشت

1. Rationalism
2. Modernization
3. Purism
4. Ambiguity
5. Mystery
6. Concept

فهرست منابع و مراجع

۱. آشوری، داریوش (۱۳۷۶)، *ما و مدرنیته*، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات صراط، تهران.
۲. اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۸۰)، *حس وحدت*، ترجمه حمید شاهرخ، چاپ نخست، نشر خاک، اصفهان.
۳. انصاری، حمیدرضا (۱۳۸۲)، «*تعلیق و تقلید - کنکاشی در نگاه معماری ایران به جریان دیکانستراکشن*»، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۶۳-۶۲.
۴. بهنام، جمشید (۱۳۷۵)، *ایرانیان و اندیشه تجدد*، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات فروزان، تهران.
۵. پورزرگر، محمدرضا (۱۳۸۳)، «*بحران شکل‌گیری اندیشه در معماری معاصر ایران*»، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۶۰-۶۱.
۶. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ هشتم، انتشارات سمت، تهران.
۷. دیبا، داراب (۱۳۷۴)، «*مروری بر معماری معاصر جهان (مساله هویت)*»، نشریه علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره یک.
۸. دیبا، داراب و دیگران (۱۳۸۵)، «*بررسی رویکردهای معماری معاصر ایران: تحلیل کالبدی - محتوایی بناهای دهه ۸۰-۶۰*»، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره هشتاد و چهار.

۹. صارمی، علی اکبر (۱۳۷۶)، *ارزش‌های پایدار در معماری ایران*، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات میراث فرهنگی، تهران.
۱۰. مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۳)، «*حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف‌ساخت‌های معنوی معماری اسلامی*»، هنرهای زیبا، شماره ۱۹.
۱۱. مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۴)، «*آموزش نقد معماری؛ تقویت خلاقیت دانشجویان برای تحلیل همه‌جانبه آثار معماری*»، هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
۱۲. مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۵)، «*سبک‌شناسی جریان‌های معماری معاصر؛ گرایش‌های معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران*» (۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵)، فصلنامه آبادی، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۸۵.
۱۳. مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۶)، *سیر اندیشه‌های معماری*، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، تهران.
۱۴. مهدوی‌نژاد، محمدجواد و مشایخی، محمد (۱۳۸۹)، «*بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی - اجتماعی*»، دوفصلنامه آرمانشهر، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
15. Groat, Linda and David Wang (2002), *Architectural Research Methods*, John Wiley & Sons Inc New York, USA.
16. Cherry, Edith, FAIA (1999), *Programming for Design: From theory to practice*, John Wiley & Sons, Inc. New York, USA.
17. MAGNA (1992), *20th-Century Architecture, MAGNA, Leicester*, UK.
18. Nicol, David, and Simon Pilling (2000), *Changing Architectural Education: Toward a new professionalism*, E & FN SPON, London and New York.
19. Mahdavejad, Mohammadjavah, Hanachi, Pirooz & Diba, Darab (2007). «*Impact of Globalization and Regionalism Trends on the Iranian Contemporary Architecture 1990-2007*», Regional Architecture and Identity in the Age of Globalization Conference, CSAAR, Tunisia.

Revitalization and the Iranian Contemporary Architecture After The Victory of Islamic Revolution

Mohammadjavad Mahdavinejad, Ph. D.

(Assistant Prof., Faculty of Arts and Architecture, Tarbiat Modaress University)

Mohammadali Khabari, Ph. D.

(Assistant Prof., of Research ,Institute of Culture, Arts and Architecture Studies, ACECR))

Reza Askari Moqadam

(Lecturer Institute for Culture, Arts & Architecture, ACECR)

Recognizing the revival-oriented and identity-oriented trends in the architecture of Post-Islamic Revolution era, offers an opportunity to rethink about the Iranian contemporary architecture. This article is an attempt to analyze the works designed after the Islamic Revolution impartially and far from judging the value of the works. The result of the research is supported by two hundred primary samples from the architectural works of contemporary Iran in the years after the victory of Islamic Revolution. Out of the above-mentioned samples, fifty samples have been studied in details in a contextual-analytic approach.

The theoretical framework of research has been drawn based on specialized literature. In accordance with the researches conducted in the area of Iranian contemporary architecture, first the works have been analyzed based on five general parameters: . The principles of plan cohesion, the concepts of spatial structures, the shape and form of the unit, – the materials in the unit and the relationship with the surrounding environment.

Studies conducted indicate that the revival-oriented trends can be considered among the most important trends in the Iranian contemporary architecture. Tendency to revive the Islamic Iranian identity is one of the most important goals of this trend which have been performed with an emphasis on different techniques and methods of architectural design.

Keywords: Iranian Contemporary Architecture, Revival-Oriented Trends, Islamic-Iranian Identity, Skeletal –Contextual Analysis, Architecture of Post-Islamic Revolution Era